

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال نهم شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۶ (صص ۹۶-۷۹)

وجوه غالب در ارزیابی تاریخ‌نگاری های محلی فارسی شبه‌قاره

(از ابتدای قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری)

۲- سید احمد عقیلی

۱- محمد حسین ریاحی

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، ارزیابی نکات مهم در شکل‌گیری و تحلیل تاریخ‌نگاری های محلی شبه‌قاره به زبان فارسی در دوره زمانی (۶۱۳-۱۱۵۰ ق) هست. با توجه به فقدان پژوهش مجزا در باب تاریخ‌نگاری محلی فارسی شبه‌قاره در مقطع زمانی مذکور، می‌توان به اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر آگاه گردید. مقاله به روش توصیفی-تحلیلی؛ وجوه و ویژگی های مهم تاریخ‌های محلی فارسی در ایالات شبه‌قاره در دوره زمانی موردنظر را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بیشتر این آثار در قالب فتح‌نامه‌ها، تاریخ‌های سلسله‌ای- محلی و فرهنگ‌نامه‌ها تدوین شده‌اند. مهم‌ترین علل شکل‌گیری این آثار نیز توصیه حاکمان منطقه‌ای و یا سلسله‌های محلی، به جهت تبیین موقعیت و اقتدار و نشان دادن قلمرو نفوذ و اقداماتشان بوده است. به همین دلیل عمده گونه‌های محلی نگاری بر اساس شیوه تاریخ‌نامه حکومت‌های منطقه‌ای نگارش یافته است. سرزمین ایران نیز به جهت آنکه مهم‌ترین واسطه فرهنگی میان جهان اسلام و شبه‌قاره بوده بیشترین تأثیر را به لحاظ فرهنگی در این سرزمین داشته است.

کلیدواژه: تاریخ‌نگاری محلی، شبه‌قاره، زبان فارسی، سبک و محتوی.

۱- مقدمه

اوج تاریخ‌نگاری محلی هند از سال ۶۱۳ تا ۱۱۵۰ ق در سده یازدهم بوده و به لحاظ پراکندگی جغرافیایی، عمده آثار تاریخ محلی هند در طی این سال‌ها مربوط به سند و سپس کشمیر است.

Email: mhr@miu.ac.ir

۱- استادیار گروه تاریخ اسلام جامعه المصطفی اصفهان

Email: aghili@lihu.usb.ac.ir

۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

غیر از چند مورد تواریخ محلی متفرقه شبه‌قاره، بیش از ۱۵ ناحیه از هند دارای تواریخ محلی فارسی بوده است که این نواحی عبارتند از: سند، اوده، دکن، کشمیر، گجرات، بنگال، پنجاب، میسور، کرناٹک، بهارتپور و بهاولپور، گوالیار، بنارس، جونپور، مالوه و گورک (احمد، ۱۳۷۸، س ۴، ش ۳: ۹۲). در بین ایالات هند، از مناطقی مانند: سند، کشمیر و پنجاب و نیز دکن بیشترین تواریخ محلی به زبان فارسی نام‌برده شده است که هرکدام بیش از بیست مورد از تواریخ منطقه‌ای بهره‌مند هستند، همچنین ایالاتی مانند گورک و مالوه و جونپور هرکدام با دو عنوان تاریخ محلی، کمترین میزان از تألیفات تاریخی محلی به زبان فارسی را دارند (همان: ۹۲-۹۳).

به جز ایالت سند (از قرن هفتم هجری) و ایالات دیگری مانند کشمیر که قدمت قابل توجهی در باب تاریخ محلی شبه‌قاره دارند، گجرات و مالوه نیز از لحاظ پیشینه نسبت به بسیاری از مناطق هند در این زمینه از سبقت بیشتری برخوردار است. مثلاً کتاب «مآثر محمود شاهی» (۸۷۲ ق) از علی بن محمود کرمانی معروف به «شهاب حکیم» را پس از تاریخ سند «علی بن حامد کوفی» می‌توان جزو آثار متقدم محلی شبه‌قاره به زبان فارسی دانست.

با بررسی تاریخ‌های محلی هند می‌توان به این موضوع پی برد که عمده این آثار و تألیفات نگرشی بر بسیاری از تحولات اجتماعی و مردمی در بستر تاریخ داشته است. این آثار معمولاً حاوی اطلاعاتی درباره جغرافیای محل، عجایب، فضائل، محاسن، تاریخ بنای شهر، بانی آن، سیر تحولات آن در گذر زمان، ابنیه و آثار موجود در محل، مزارت، مهم‌ترین حوادث سیاسی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، رجال و شخصیت‌های سیاسی، علمی، ادبی و حتی اساطیر و افسانه‌های مربوط به شهر یا ایالت مورد نظر هستند.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

بیشتر آثار تاریخ‌نگاری فارسی شبه‌قاره در قالب تاریخ‌نامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، تاریخ‌های سلسله‌ای- محلی و فرهنگ‌نامه‌ها تدوین شده‌اند. مهم‌ترین زمینه‌های نگارش این آثار نیز بنا بر توصیه حاکمان منطقه‌ای و یا سلسله‌های محلی و به جهت تبیین موقعیت و اقتدار و نشان دادن قلمرو نفوذ و اقداماتشان بوده است. به همین دلیل عمده گونه‌های محلی نگاری بر اساس شیوه تاریخ‌نامه حکومت‌های منطقه‌ای نگارش یافته است. این مساله نیز تقریباً در بیشتر مناطق شبه قاره که تاریخ‌های محلی فارسی تألیف شده به چشم می‌خورد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که در ارزیابی تواریخ محلی فارسی شبه‌قاره در دوره مورد‌بحث، چه مفاهیم و مولفه‌هایی را می‌بایست در نظر گرفت؟ فرضیه اصلی مطرح در مقاله آنکه، محورهایی چون علل و زمینه‌های شکل‌گیری تواریخ محلی فارسی در دوره زمانی مورد‌بحث؛ سبک‌شناسی تواریخ محلی فارسی؛ پراکندگی زمانی و مکانی این آثار؛ ساختار و محتوای آن‌ها؛ انگیزه و علل نگارش این تألیفات توسط نویسندگانشان، موضوعاتی است که بررسی و تحلیل آن‌ها سهم بسزایی در شناخت بهتر تواریخ محلی شبه‌قاره در دوره زمانی مورد‌بحث خواهد داشت.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

در تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره هند به زبان فارسی، تفاوت و تنوع مطالب دارای تعدد و گوناگونی است. با توجه به فقدان پژوهش مجزا در باب تاریخ‌نگاری محلی فارسی هند در مقطع زمانی مذکور (سده ۷ تا ۱۲ق)، یکی از اهداف پژوهش حاضر، برآوردن این نیاز است. هدف دیگر تحقیق، بررسی علل شکل‌گیری و ویژگی‌های غالب در تاریخ‌نگاری‌های محلی شبه‌قاره به زبان فارسی در دوره زمانی ۶۱۳-۱۱۵۰ ق می‌باشد.

دلیل توجه به این دوره زمانی آن است که بیشتر تحقیقات اخیر درباره تواریخ محلی شبه‌قاره مربوط به دوره زمانی عصر طلایی گورکانیان (دوره اکبر شاه تا پایان اورنگ زیب) است و به دوره قبل از آن کمتر توجه شده است. البته دلیل دیگر این ضعف را می‌توان انقطاع و فاصله‌ای دانست که در شبه‌قاره به جهت تغییر زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم حاصل شد. این مساله ضربه‌ای مهلک به میراث فراوانی زد که در طی چندین قرن حاصل شده بود. این توضیح مختصر، به‌خوبی بیانگر اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر است.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

مقاله به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای مطالعه تاریخی با بررسی بیش از بیست مورد از منابع دست‌اول تاریخ‌نگاری محلی فارسی ایالات مختلف شبه‌قاره، به بررسی وجوه غالب تواریخ محلی فارسی در دوره زمانی مورد‌بحث پرداخته و زمینه‌های شکل‌گیری تواریخ محلی فارسی شبه‌قاره را بررسی و تحلیل نموده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق تاریخ‌نگاری محلی فارسی در هند از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم ه ق، تلاش‌های خوب و نسبتاً مناسب برخی از محققان هندی یا پاکستانی در عصر حاضر در بررسی آثار فارسی تاریخ‌های محلی شبه‌قاره قابل توجه است. باین حال، نوشته‌های این افراد چندان قوی و همراه با نقد و تحلیل نیست. در این بین می‌توان به برخی تألیفات شخصیت‌هایی مانند ظهورالدین احمد، آفتاب اصغر و یا سید علی رضا نقوی اشاره نمود. از جمله آخرین و برجسته‌ترین این آثار، «مغولان در هند یا بررسی کتاب‌شناختی دست‌نویس‌ها»، از دارانو سروانجی مارشال هست. نویسنده اثر، اگرچه به بررسی مختصر و معرفی بسیاری از این آثار از تاریخ‌های محلی اشاره داشته اما به نظرمی رسد برخی از این آثار در کتاب‌شناسی‌های دیگر یافت نمی‌شود و در ضمن معرفی آن‌ها به نسخ موجود به‌ویژه در کتابخانه‌های اروپایی و شرقی پرداخته است. اشکال دیگر تألیف این است که با وجود معرفی تواریخ محلی؛ تفکیکی بین آثار از نظر موضوع نداشته است. کتاب‌هایی دیگر تحت عنوان فهرست‌نویسی مانند کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره از عارف نوشاهی و یا کتاب‌شناسی آثار فارسی شبه‌قاره توسط علی صدرایی خوبی، به معرفی آثار متعدد پرداخته‌اند اما ذکر تألیفات مربوط به تاریخ‌های محلی شبه‌قاره در این فهرست‌ها بسیار ناقص صورت گرفته است.

در ایران؛ یکی از مهم‌ترین آثاری که در عصر حاضر در باب تاریخ و ادب فارسی در شبه‌قاره (از جمله تاریخ‌نگاری محلی فارسی) مطالبی را نگاشته، دانشنامه ادب فارسی به اهتمام حسن انوشه و با پژوهش برخی محققان فراهم آمده که بخش مفصلی از آن در سه مجلد به شبه‌قاره اختصاص یافته است. اثر بیشتر فهرست وار است و در بخش تواریخ محلی هند از ابتدا تا انتها (قرن هفتم تا اوایل قرن چهاردهم هجری) حدود یک‌صد و هشتاد اثر نام‌برده شده که در ذکر برخی موارد در این باره اغلاط و مشکلات و نارسایی‌هایی وجود دارد.

۲- علل شکل‌گیری تواریخ محلی شبه‌قاره

تاریخ‌نگاری اسلامی در هند نسبت به بسیاری از بلاد اسلامی دیرتر شکل گرفت. روزنتال بر خورداری از خودمختاری فرهنگی استوار در این سرزمین یا سرزمین‌هایی مانند اندونزی را باعث این محدودیت و یا مانع تحقق این علم دانسته است. (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۹) باین حال از همان قرن

چهارم و پنجم هجری با باز شدن پای برخی از دانشمندان و متفکران بزرگ دنیای اسلامی مانند ابوریحان بیرونی به سرزمین هندوستان آثاری رقم خورد که کمک بزرگی به شناخت تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و اقلیم‌شناسی و سایر وجوه هند نمود. (بیرونی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۸-۱؛ بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۲۲ - ۱۲۳) بدین‌جهت بیرونی را بزرگ‌ترین هند‌شناس روزگاران گذشته و آثارش را چکیده بهترین سنت‌ها و تفکر هند و ایرانی خوانده‌اند (رزم‌آرا، ۱۳۸۳: ۵۹). همچنین بزرگ بن‌شهریار نخستین سیاحی است که در حوالی نیمه قرن سوم هجری از نواحی هند دیدن کرده و در کتاب «عجایب الهند» خود از علاقه‌مندی یکی از حکمرانان این سرزمین به اسلام سخن گفته است (شیمل، ۱۳۶۸: ۶۲). تعدادی از محققان بر این اعتقادند که علت تألیف و شکل‌گیری تاریخ‌نگاری محلی در شبه‌قاره هند حکومت‌های مستقل یا نیمه‌مستقل محلی و منطقه‌ای بوده‌اند که با توجه به تفاوت‌های بسیار بین مناطق و ایالات هند و شرایط متفاوت آن‌ها با همدیگر و نیز وجود نظام طبقاتی، این تمایزها سبب استقلال و جدایی آن‌ها از حکومت مرکزی می‌گردید. علاوه بر این، هند تا ظهور دولت تیموریان کمتر حاکمیت‌های متمرکز و مرکزی را به خود دیده و مجموعه این عوامل توسعه تاریخ‌نگاری محلی را در نقاط مختلف این سرزمین باعث شده است. با توجه به فحوی برخی از این آثار به نظر می‌رسد انگیزه‌هایی چون تشویق حاکم، امرا و خاندان‌ها و رجال محلی در شکل‌گیری بسیاری از این تألیفات تأثیرگذار بوده است و در کنار آن علاقه‌مندی و اشتیاق به زادبوم و به تعبیری حُب وطن و مفاخر قومی نیز در فراهم آمدن این تألیفات مؤثر بوده است (خیراندیش، ۱۳۸۰، ش ۴۴ - ۴۵: ۴).

به نظر می‌رسد با توجه به تنوعی که در تاریخ‌های محلی شبه‌قاره وجود دارد تنها نمی‌توان آن‌ها را از حیث انگیزه در قالبی مشخص دسته‌بندی نمود و این مسئله به عوامل متعددی برمی‌گردد از جمله: اول آن‌که، در پدید آمدن این آثار در هرکدام از ایالات؛ زمینه‌هایی چون موقعیت مکانی، مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش داشته است.

دوم مساله تفاوت فضا و میدان عمل و در حقیقت آسودگی خاطر نویسندگان تاریخ‌های محلی نسبت به مورخان دیگر از جمله تاریخ‌نگاران سلسله‌ای را می‌بایست در نظر گرفت. زیرا که مورخ تاریخ محلی در تبیین و ارائه مطالب از آزادی بیشتری بهره‌مند است. اما در تاریخ‌های دیگر از جمله سلسله‌ای، فرمانروا است که باید و نبایدها را مشخص و بنابراین مورخ محدود و مقید به آن‌ها هست لیکن در تاریخ‌های محلی این‌طور نیست و وابستگی‌های کمتر دیده می‌شود.

دیگر اینکه، میزان نفوذ و اقتدار حکومت‌های مرکزی نیز در تألیف تاریخ‌های منطقه‌ای و موقعیت آن‌ها در تأمین امنیت و ثبات سیاسی تأثیرگذار بوده است و با توجه به این مسئله و امکانات و رفاه حاصل از آن، مقدمات رشد و پرورش استعداد‌های علمی و ادبی فراهم می‌آمد. در این موضوع می‌توان رشد تاریخ‌نگاری محلی در کشمیر و سند را در عصر شکوفایی تیموریان به‌عنوان نمونه ذکر کرد. چراکه با توجه به ثبات و رفاه این منطقه بود که تألیف بسیار و در حقیقت اوج رشد تألیفات تاریخ‌نگاری محلی در آن ایالات در آن برهه را موجب شد.

۱-۲- ادوار تاریخ‌نگاری محلی فارسی در هند

جوهر لعل نهرو (۱۳۰۷-۱۳۸۴ق/۱۸۸۹-۱۹۶۴م) سیاست‌مدار معروف هند معتقد است که تأثیرگذاری ایرانی‌ها در آداب و فرهنگ هند بسیار بیشتر از سایر ملل و نژادهای دیگر بوده است. (نهرو، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۴۶-۲۴۷). تأثیرگذاری تاریخ‌نگاری ایرانی بر هند دلایل متعددی دارد. از جمله آن‌که سرزمین ایران مهم‌ترین واسطه فرهنگی میان جهان اسلام و شبه‌قاره بوده و اوضاع فرهنگی و سیاسی ایران بر این سرزمین تأثیر مستقیم داشته است. حتی زمانی که محمد بن قاسم در سال ۹۶ ق از عراق عازم فتح سند بود مدتی را در شیراز به سر برد و ایرانیان یا فارسی‌زبانانی که جزو لشکر وی بودند به همراهی او عازم سند شدند (احمد، ۱۳۷۸: ۲، ۸۵).

درباره چرایی و چگونگی توسعه تاریخ‌نگاری فارسی در شبه‌قاره عوامل متعددی را می‌توان دخیل دانست که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ارتباط گسترده ایران و هند در طول تاریخ و قرن‌ها قبل از دوره اسلامی و نیز وجود ریشه‌ها و اشتراکات زبانی بین اقوام آریایی و مهاجرت‌های ایرانیان به‌ویژه پارسیان هند در سده‌های نخستین هجری از ایران به هند.

- توسعه اسلام به شبه‌قاره مرهون مساعدت، تبلیغات و تلاش‌های ایرانیان بود. چراکه در فتوحات اسلامی در اواخر قرن اول هجری و پس‌از آن حضور مسلمانان ایرانی در توسعه فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه‌قاره مؤثر بود. به‌ویژه اینکه به‌جای زبان عربی، فارسی در بسیاری از مناطق هند، زبان دینی مسلمانان تلقی می‌شد.

- حضور دولتمردان و سلسله‌های ایرانی به شیوه‌ها و اشکال مختلف در نفوذ و بسط فارسی در شبه‌قاره مؤثر بوده است.

- وجود زبان‌ها و گویش‌های مختلف در شبه‌قاره ایجاب می‌کند تا زبان مشترک در امور اداری و مسائل ادبی جوشش لازم را به‌خصوص در عصر حاکمیت مسلمانان در شبه‌قاره ایجاد نماید و این موضوع به‌خصوص از قرن هشتم تا دوازدهم هجری در بین دولت‌های محلی دیده می‌شود. به‌طوری‌که زبان فارسی مهم‌ترین ابزار برای انتقال مطالب و مسائل فرهنگی و معنوی بود.

- ابزار گسترش عرفان اسلامی و تصوف، زبان و ادب فارسی بود. علاقه‌مندی و اشتیاق نواحی مختلفی از شبه‌قاره به این نوع گرایش‌ها و سردمداران آن در تحولات فرهنگی، معنوی ایالاتی از هند به این موضوع به‌ویژه در سند، کشمیر، دهلی و یا برخی مناطق دیگر زمینه‌ای برای نگارش آثار و تألیفات را به فارسی فراهم آورد که تاریخ‌های محلی نیز از این مسئله مستثنی نیست.

البته گسترش تاریخ‌نگاری محلی فارسی در شبه‌قاره به‌طور یکسان و هم‌زمان نبود. چراکه با توجه به سیر تاریخی می‌توان به این نتیجه رسید که برخی مناطق مانند سند در این موضوع قدمت بیشتری دارند. در قرن هشتم تا دهم هجری ایالاتی مانند دکن، گجرات، مالوه و دهلی شاهد رشد تاریخ‌نگاری محلی فارسی بود. درواقع می‌توان محلی‌نگاری فارسی را از لحاظ جغرافیایی تقریباً شامل کل سرزمین بزرگ و پهناور شبه‌قاره دانست و مناطقی چون بنگلادش و پاکستان که امروزه از جمهوری هند استقلال یافته‌اند را در قلمرو محلی‌نگاری به زبان فارسی قلمداد نمود.

تاریخ محلی در شبه‌قاره منحصر به یک منطقه و چند ولایت نیست. بلکه بسیاری از ولایات سرزمین هند و نه‌تنها یک دوره خاص، ادوار متعددی را دربرمی‌گیرد (ناجی، ۱۳۹۲: ۲۱۷؛ انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۴۵) اولین تاریخ‌های محلی فارسی هند از غرب این سرزمین و از منطقه‌ی سند در شمال غرب هند آغاز گردید. همچنین عمده‌ی تألیفات مربوط به تاریخ‌نگاری محلی در این قلمرو پهناور مربوط به عصر گورکانیان و ایالت سند هست اما پس از سند در دیگر ایالات و ولایات نیز رایج گردید. چهار دوره یا مقطع خاص را می‌توان به جهت تاریخ‌نگاری محلی فارسی هند در نظر گرفت که این ادوار عبارت‌اند از:

۱- سده هفتم تا آغاز دوره مغولان هند (تیموریان): قرن هفتم آغاز تاریخ‌نگاری‌های محلی هند به زبان فارسی است، مایه اصلی اولین اثر به زبان عربی بود که بعدها در این قرن با دگرگونی و ترجمه به‌صورت تألیفی مستقل تحت عنوان «فتح‌نامه سند» یا «چچ‌نامه» به زبان فارسی منتشر می‌شود. نمونه‌ای دیگر از ترجمه، برگردان یکی از تاریخ‌های محلی کهن کشمیر در عهد سلطان زین‌العابدین (حک ۸۲۷-۸۷۸ ق / ۱۴۲۳-۱۴۷۳ م) از سلسله شاه‌میر و در اوایل قرن نهم هجری

است که ترجمه «راج ترنگینی» به فارسی، گویای شروع نهضت فارسی‌نویسی به‌ویژه در تاریخ محلی هند و الگوپذیری از فرهنگ ایرانی-اسلامی در این باره است. البته مناطقی مانند گجرات یا مالوه (مالوا) نیز در قرن نهم و دهم دارای آثار متعددی در بیان اوضاع و احوال سرزمین و حاکمان آن دیار هست که در این باره می‌توان تاریخ مظفرشاهی (۸۹۹ق) نوشته مولانا عبدالحسین، مآثر محمود شاهی یا تاریخ محمود شاهی (ح ۸۹۰ق) نوشته عبدالکریم همدانی و از شاگردان محمود گاوآن یا مآثر محمود شاهی در تاریخ مالوه مربوط به ۸۷۲ ق نوشته علی بن محمود کرمانی معروف به شهاب حکیم را مثال زد. (اسماعیل پور، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۹۷ و ۷۰۱ و ۷۰۲) ۲- دوران شکوه (اقتدار تیموریان): دوره دوم تاریخ‌نویسی فارسی از قرن دهم هجری مصادف با آغاز دوره بابر شروع می‌شود و تا پایان اقتدار آنان بر هند ادامه می‌یابد. یعنی از سال ۹۳۲ ق آغاز سلطنت بابر (حک ۹۳۲-۹۳۶ق/۱۵۲۵-۱۵۲۹ م) تا اتمام دوره سلطنت شاه جهان (۱۰۶۸ق / ۱۶۵۷ م) اوج می‌گیرد که در این ایام تاریخ‌نگاری فارسی با توجه به ترویج، شیوع و توسعه قابل‌اعتنای زبان فارسی، تحولی شگرف و ارزشمند می‌یابد. این مسئله تا پایان دوران حاکمیت امپراتور اورنگ زیب (حک ۱۰۶۸-۱۱۱۸ق/۱۶۵۷-۱۷۰۶م) استمرار داشته است.

۳- دوران پس از اقتدار تیموریان بزرگ: بعد از وفات اورنگ زیب، انحطاط این سلسله آغاز و به تبع آن تحولات فرهنگی (مانند تاریخ‌نویسی فارسی) به‌ویژه پشتوانه‌های آن، راکد یا متوقف می‌گردد. این دوره تا پایان حیات سلسله بابرین یعنی ۱۲۷۹ق/۱۸۶۲ م ادامه می‌یابد.

۴- دوران استیلای بریتانیا بر هند: در این زمان با تسلط انگلستان بر هند و برچیده شدن امپراتوری گورکانی پس از پایان سلطنت بهادر شاه (حک ۱۲۷۹ق / ۱۸۶۲ م) سلطه انگلیسی‌ها بر شبه‌قاره باعث دخالت آنان در همه امور گردید و به‌جز دخالت در حاکمیت و امور سیاسی، مسائل فرهنگی را نیز تحت نفوذ و سیطره خود قرار دادند. با سیاست‌های عوامل انگلیسی در شبه‌قاره زبان فارسی رفته‌رفته متروک و از دور خارج گردید.

۲-۲- پراکندگی زمانی و جغرافیایی تاریخ‌های محلی فارسی شبه‌قاره (قرن ۷ تا نیمه اول قرن ۱۲ ق)

تاریخ‌های محلی شبه‌قاره از سده هفتم تا نیمه سده دوازدهم هجری از جهت تعداد متفاوت هست. در قرن هفتم فقط یک اثر در تاریخ سند تألیف شده که آن نیز مأخوذ از ترجمه عربی کتاب چیچ نامه است که توسط علی بن حامد کوفی به فارسی ترجمه و مطالبی بدان افزوده شده است.

در قرن هشتم هیچ اثری از تاریخ محلی به زبان فارسی در شبه‌قاره دیده نمی‌شود که دلایل متعددی را می‌توان در این موضوع جستجو نمود. از جمله اینکه هنوز بسیاری از مناطق شبه‌قاره با زبان و ادب فارسی آشنا نبوده، چراکه سند دروازه ورود ایرانیان و یا توسعه اسلام بوده است و دیگر اینکه تحولات سیاسی و آشفتگی‌های که بر اثر حمله مغول در ایران به وجود آمد گریبان هند را گرفت و توسعه فرهنگ ایران اسلامی را به رکود کشانید. اما با شروع یک آرامش نسبی و استقرار دولت‌های مسلمان فرهنگ دوست در قرن نهم (به‌ویژه از مرکز حاکمیت هند یعنی دهلی گرفته تا مناطق شمالی مانند کشمیر و یا جنوب و غرب مانند گجرات و مالوه) آثاری شکل می‌گیرد. در قرن دهم نیز در باب تاریخ‌های محلی تألیفاتی پدید می‌آید که ۵ مورد به‌صورت تألیف و ۲ مورد ترجمه مجدد به فارسی از تاریخ باستان کشمیر موسوم به راج‌ترنگینی است.

اوج پدید آمدن آثار و شکل‌گیری تألیفات مربوط به قرن یازدهم هجری است که حدود بیست عنوان هست. تاریخ‌های محلی هند به زبان فارسی در فاصله سال‌های ۶۱۳ تا ۱۱۵۰ ق از نظر پراکندگی جغرافیایی بدین شرح است: شش کتاب در تاریخ سند، شش کتاب در تاریخ کشمیر، شش کتاب درباره گجرات و مالوه، دو کتاب در باب آسام و بنگال، چهار کتاب درباره دکن، دو کتاب درباره گوالیار و یک اثر در باب کرناتک. با توجه به پراکندگی زمانی و جغرافیایی مکانی تاریخ‌های محلی هند در دوره مورد نظر چند نکته قابل درک و تأمل است:

- ۱ - رواج زبان فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی در این مناطق از عوامل مهم گسترش و تألیف این‌گونه آثار بوده است.
- ۲ - پراکندگی جغرافیایی تواریخ محلی در قرن هفتم تا دوازدهم هجری متأثر از گرایش‌های فرهنگی و ادبی حاکمیت‌های محلی بوده است.
- ۳ - تأثیرات مذهبی و معنوی و نحوه ورود اسلام و پذیرش آن در مقاطع مختلف در مناطق هندو نشین و فتوحات سلاطین مسلمان از دیگر عوامل نگارش چنین آثاری بوده است.
- ۴ - تأثیرگذاری عرفا و مشایخ در برخی مناطق هند از جمله کشمیر در تألیف چنین کتاب‌هایی نقش داشته است.
- ۵ - عملکرد دولتمردان و نحوه حاکمیت و اقدامات آنان در شکل‌گیری این‌گونه تألیفات مؤثر بوده است.

۳- کیفیت و سبک نگارش تاریخ‌های محلی فارسی شبه‌قاره (قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری)

در یک برآورد و تقسیم کلی تاریخ‌های محلی هند شامل ترجمه تاریخ‌نامه‌های محلی قبل از قرن هفتم، فرهنگ‌نامه‌ها، تاریخ‌های محلی - سلسله‌ای، فتح‌نامه‌ها و منابع جغرافیایی می‌باشند که هرکدام با توجه به ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی آن شکل گرفته و انگیزه‌های نویسندگان و مؤلفان آن آثار، تبیین‌کننده ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی هند و از حیث محتوا و ارزش دارای اهمیت بسیار است. با توجه به بررسی‌های حاصل شده، بالغ‌بر سی مورد تاریخ محلی به زبان فارسی در دوره زمانی مورد پژوهش حاضر وجود دارد که به ترتیب تقدم زمانی عبارت‌اند از: فتح‌نامه سند (۶۱۳ق)، تاریخ مبارک شاهی (۸۳۳ق) در تاریخ دهلی، مآثر محمود شاهی یا تاریخ مالوه (۸۷۲ق)، ترجمه فارسی راج‌ترنگینی یا تاریخ کشمیر (۸۷۳ق)، تاریخ مظفر شاهی (۸۸۹ق) در تاریخ گجرات، تاریخ ناصر شاهی در باب مالوه (ح ۹۰۶ق)، تاریخ مظفر شاهی یا فتح ماندو (۹۲۴ق)، تاریخ رشیدی درباره کشمیر (۹۴۸ق)، ظفرنامه احمدآباد (۹۸۱ق)، تاریخ گجرات یا تاریخ سلطان بهادر شاه (ح ۹۹۵ق)، هفت اقلیم که عمده مطالب آن در باب هند و ولایات آن است (۱۰۰۲ق)، برهان مآثر در تاریخ دکن (۱۰۰۰-۱۰۰۴ق) تاریخ معصومی در تاریخ سند (۱۰۰۸ق)، تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی که مطالب فراوانی در احوال دکن و فرمانروایان آن دارد (۱۰۱۵ق)، مرآت سکندری (۱۰۲۰ق)، تذکره الملوک یا تاریخ بیجاپور (۱۰۲۰ق)، تاریخ طاهری یا بلده تهنه (۱۰۲۱ق)، بهارستان شاهی (۱۰۲۳ق)، تاریخ کشمیر حسن بن علی (۱۰۲۴ق)، تاریخ کشمیر ملک حیدر چادوره ای (۱۰۳۰ق)، بهارستان غایبی در تاریخ بنگال (۱۰۳۳ق)، بیگلرنامه در تاریخ سند (۱۰۳۴ق)، مظهر شاهجهانی در باب مناطقی از سند (۱۰۴۴ق)، گوالیارنامه (۱۰۵۵ق)، ترخان نامه (۱۰۶۶ق)، تاریخ پنجاب «سیالکوت» (۱۰۷۲ق)، تاریخ آشام «فتحیه عبرتیه» (۱۰۷۳ق)، تاریخ گوالیار (۱۰۷۸ق)، وقایع حیدرآباد (۱۰۹۸ق)، منتخب التواریخ در باب کشمیر (۱۱۲۲ق)، رساله صورت حال (۱۱۳۰ق) در باب پنجاب، سعید نامه در تاریخ کرناتک (۱۱۳۵ق)، کیگوه‌رنامه (۱۱۳۷ق) و اسرار صمدی (۱۱۴۱ق) هر دو در تاریخ پنجاب.

در حقیقت محور عمده تاریخ‌های محلی شبه‌قاره برخلاف تاریخ سیاسی توجه و رویکرد بیشتر آن‌ها به مسائل اجتماعی است. آگاهی‌هایی که این‌گونه آثار به دست می‌دهند در باب طبقات اجتماعی اوضاع اقتصادی، نظام اداری و مالیاتی، زبان‌ها، گویش‌ها، صنایع و معادن، بقاع و مزارات،

موقوفات، مساجد و مدارس و شرایط اقلیمی است که این موضوع در بیشتر تاریخ‌های محلی شبه‌قاره از جمله سند، دکن و کشمیر به چشم می‌خورد.

به سبک و شیوه نگارش تواریخ محلی فارسی شبه‌قاره نیز برخی انتقادات وارد است که عبارت است از:

۱- شیوه نگارش و ادبیات متکلف و مصنوع: نثر و ادبیات برخی از این آثار سخت و گاهی غیرقابل فهم برای خواننده هست و از روانی و گویایی لازم بهره‌مند نیست که در این باره می‌توان از آثاری مانند بهارستان شاهی (به‌عنوان مثال رک حیدری کشمیری، ۱۹۸۲: ۳۴۸-۳۴۹) و یا بیگلرنامه (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۶۶) یاد نمود.

۲- غفلت از واقعیات: از جمله معایب تعدادی از این تألیفات رویکرد عمدتاً به مسائل منحصر به امور سیاسی و انعکاس اخبار مربوط به حکومت‌ها و غفلت از مردم است. چراکه تاریخ‌های محلی باید گویای اوضاع اجتماعی و جوانب آن باشد نه فقط توجه به رویدادهای مربوط به دولتمردان و اعمال آنان.

۳- گرایش به اساطیر: برخی کتاب‌ها آثار ممزوجی از اطلاعات تاریخی با روایت‌هایی است که به گزافه‌گویی، مبالغه و خرق عادت گرائیده، این قبیل مطالب بیشتر در تألیفات دیده می‌شود که معمولاً از قدمت بیشتری در بین آثار تاریخ محلی شبه‌قاره برخوردارند مانند چچ‌نامه و یا راج ترنگینی (کوفی، ۱۳۸۴: ۲۱۹-۲۳۱ و اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۲).

۴- مبالغه، بزرگ‌نمایی و ستایش بیش‌ازحد درباره شخصیت‌ها: برخی از آثار تاریخ محلی شبه‌قاره در بیان رجال حکومت و به‌ویژه سلاطین و وزراء، ستایش بسیار روا داشته و القاب و عناوین پرطمطراق را بکار گرفته‌اند و البته تعدادی از عرفا و یا شخصیت‌های معنوی نیز مشمول توصیفات مبالغه‌آمیز نویسندگان تاریخ‌های محلی بوده‌اند.

۵- محدودیت در نگرش تاریخی‌گری: پرداختن و تمرکز روی یک موضوع خاص یا قسمتی از یک منطقه یا سلسله حاکم بر یک ایالت، که این موضوع در تعدادی آثار مربوط به تاریخ‌های محلی سند از جمله ترخان‌نامه (تتوی، ۱۹۶۵: ۵۳-۵۴) دیده می‌شود. از حیث ساختار عمدتاً تألیفات این دوره زمانی، دارای نقاط مشترکی می‌باشند. مؤلفان تاریخ‌های محلی پس از ذکر دیباچه یا مقدمه در قالب‌های متفاوتی مانند باب، طبقه، دفتر، جزء، فصل و یا مقاله مطالب خود را تنظیم نموده‌اند و برخی آثار نیز فاقد هرگونه تقسیم‌بندی است. مثلاً بهارستان شاهی پس از مقدمات به ۹ باب

تقسیم شده، و در هرکدام از این ابواب به موضوعی مجزا پرداخته است و یا مانند ترخان‌نامه که در هر قسمتی به یک شخصیت که معمولاً حاکم و سیاست‌مدار است می‌پردازد. (صافی، ۱۳۸۷: ۵۲ و ۷۱) به همین ترتیب برهان مآثر به حکام مناطق دکن و در سه طبقه به صورت منطقه‌ای اشاره نموده است (حسنی دوست، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۵۹؛ برزگر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۸۱۸). تاریخ طاهری یا بلده تته پس از مقدمات اولیه، مطالب خود را به پنج طبقه تقسیم و در هر طبقه به موقعیت مناطق و حاکمان آن پرداخته است (نسیانی تتوی، ۱۹۶۴: ۳۲، ۵۱، ۶۵، ۹۵، ۲۱۰).

۱-۳- جایگاه نویسندگان تاریخ‌های محلی فارسی شبه‌قاره (در دوره زمانی موردنظر)

با توجه به اطلاعاتی که از شخصیت برخی مؤلفین تاریخ‌های محلی فارسی شبه‌قاره به دست می‌آید، بسیاری از آنان فرهیختگان زمان خود و آشنا به فرهنگ اسلامی و آداب نویسندگی و متبحر در زبان و ادب فارسی و علاقه‌مند به حکمت و ادب بوده و برخی از ایشان در زمره شعرا و ادبا محسوب شده‌اند. سید علی طباطبایی سمنانی مؤلف کتاب «برهان مآثر» و محمدقاسم استرآبادی معروف به هندو شاه نویسنده «تاریخ فرشته» از کاتبین و منشیان دربار سلاطین دکن بوده‌اند و در دربار جایگاه والایی داشته‌اند.

از قرائن چنین برمی‌آید که مؤلفان آثاری مانند تاریخ مبارک شاهی، تاریخ حیدرملک و بهارستان شاهی از منشیان و کاتبان درباری بوده‌اند و یا سیاست‌مداری برجسته. مانند میر محمد معصوم بکهری که به‌عنوان سفیر اکبر شاه به دربار شاه‌عباس اول صفوی تألیفی مثل تاریخ سند را تدوین نموده است. انگیزه‌های نویسندگان این دوره که باعث بسط و گسترش این قبیل تألیفات شده عبارت است از:

۱- تشویق و ترغیب سلاطین، حاکم و امراء: به‌عنوان مثال، آنچه از فحوای تاریخ مبارک شاهی یا تاریخ سلاطین دهلی برمی‌آید این است که مؤلف آن را به‌واسطه آرائه و اطلاع‌رسانی به پادشاه وقت تألیف نموده است و یا چندین بار ترجمه راج‌ترنگینی (تاریخ کهن کشمیر) به فارسی در فاصله دو قرن به فرمان حاکم بوده است: بار اول در قرن هفتم هجری به فرمان سلطان زین‌العابدین شاه میری و پس از آن نیز در اواخر قرن دهم به دستور اکبر شاه گورکانی صورت پذیرفته است. تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی) نیز بنا به درخواست ابراهیم عادل شاه دوم دکنی (ح ۹۸۸-۱۰۳۷ ق) نوشته شده و انگیزه او گزارشی از تاریخ از ابتدای خلقت تا دوره مؤلف بوده که در ضمن آن به

پیشینه ولایات هند و اتفاقات دکن اشاره داشته است. (هندو شاه استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱؛ مقدمه: نوزده؛ صفا، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۷۱۰)

۲- درخواست برخی خاندان‌ها نیز در شکل‌گیری تاریخ‌های محلی اثرگذار بوده. به‌عنوان مثال، ترخان نامه توسط سید میر محمد تتوی تألیف شد (تتوی، ۱۹۶۵: ۵).

۳- انگیزه یوسف میرک در نوشتن تاریخ مظهر شاه جهانی، آگاه کردن پادشاه گورکانی نسبت به مظالم حاکم سهوان از بلاد سند بوده (نمکین بهکری، ۱۹۶۲: ۱۷۳) که در ضمن آن اطلاعات ارزشمندی را در ابعاد مختلف از منطقه و اوضاع و احوال آن ارائه می‌کند.

۴- حُب وطن و دفاع از سرزمین نیز انگیزه شکل‌گیری برخی از این تألیفات بوده است. به‌عنوان مثال، در باب تاریخ مالوه و گجرات می‌توان از فتح ماندو (تاریخ مظفر شاهی) (قانعی، ۱۹۴۶: ۸) و یا ظفرنامه احمدآباد یاد نمود (اصغر، ۱۳۶۴: ۱۹۵).

در کنار تبیین مسائل سیاسی و تحولات تاریخی هدف نشان دادن اوضاع اقتصادی مانند وفور کشت و زرع یا اشاره به صنایع و محصولات بومی بوده است. در این مورد می‌توان از آثاری مانند «مظهر شاهجهانی» (نمکین بهکری، ۱۹۶۲: ۱۸۲-۱۹۰)، «تاریخ رشیدی» (حیدر میرزا دوغلات، ۱۳۸۳: ۶۲۱) و یا «برهان مآثر» (طباطبا، ۱۹۳۶: ۱۵۸-۱۶۱) نام برد و یا فتحیه عبرتیه که در کنار بیان اخبار، مشتمل بر آگاهی‌هایی در باب وضع اقلیم، جنگل‌ها و مراتع، اراضی کشاورزی و راه‌های منطقه بنگال و آسام هست (طالش، ۱۹۹۹: ۱۳-۱۶).

عوام نیز در باب علت پیدایش شهرها، داستان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ها، جنگ‌ها و اتفاقات مهم تاریخ‌ساز، ویژگی شخصیت‌های بزرگ و سایر اطلاعات علاقه نشان داده‌اند و این اخبار برای آن‌ها جذابیت فوق‌العاده داشته به‌ویژه آن‌که این آگاهی‌ها مربوط به سرزمین خودشان بوده باشد. از جمله افسانه‌هایی که در کتب تاریخ محلی سند مانند چک نامه (کوفی، ۱۳۸۴: ۲۱۹-۲۳۱) و یا کشمیر مانند راج‌ترنگینی (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۲) برای عموم کشش خاص و جذابیت فراوانی داشته را می‌توان مثال زد.

۲-۳- منابع نویسندگان تاریخ‌های محلی هند

منابع و مآخذ مورد استفاده مؤلفین تاریخ‌های محلی شبه‌قاره متعدد و مختلف هست به‌طوری‌که آن‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

- تعدادی از این آثار در درج پیشینه باستانی سرزمین خود از منابع بسیار قدیمی و اساطیری بهره برده‌اند که در این رابطه می‌توان کشمیر را مثال زد که تاریخ‌های محلی آن از کتاب‌هایی مانند راج ترنگینی سود جسته‌اند. هرچند که این تألیفات نیز از آثار قبل از خود که اکنون در دسترس نیست بهره برده‌اند.

- برخی دیگر از نویسندگان این تألیفات، مشاهدات شخصی خود را در وقایع و اتفاقات تاریخی ضبط نموده‌اند که در این مورد تواریخ سند مانند تاریخ معصومی (بکری، ۱۳۸۲: ۲۳۷ و ۲۴۵ و ۲۵۲ و ۲۶۸)، بیگلر نامه و نیز مظهرشاهجهانی را می‌توان مثال زد.

- حضور در دربار و اشراف بر اسناد و مدارک و یا کتابخانه‌های سلطنتی و بزرگان مملکتی نیز می‌توانسته بر شکل‌گیری و اتقان برخی از این تألیفات مؤثر باشد. به‌طوری‌که آثاری مانند تاریخ فرشته، تاریخ مبارک شاهی، برهان مآثر و هفت اقلیم را در این راستا می‌توان مثال زد.

- بهره‌گیری نویسندگان از منابع متعدد تاریخی - ادبی به‌ویژه تذکره‌ها و یا کتاب‌های جغرافیا نیز در تألیف این کتب مهم و قابل توجه بوده است. برخی از این آثار اکنون در دست نیست به‌ویژه تاریخ‌های ایران و اسلام و یا مربوط به شبه‌قاره مانند *مراه الجنان* و *یا عیون التواریخ*؛ همچنین بهره‌گیری از مآخذ جغرافیایی تاریخی مانند *معجم البلدان* یا قوت که تاریخ رشیدی (حیدر میرزا دوغلات، ۱۳۸۳: ۶۱۸) و *یا هفت اقلیم رازی* (رازی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۲۴۱) از آن‌ها سود جسته‌اند.

۴- نتیجه

چنین می‌توان استنباط نمود که عمده مورخان محلی نویسی شبه‌قاره، مهاجر و ایرانی و یا تحت تأثیر نخبگان مهاجر ایرانی بوده و ادبیات حاکم بر آن‌ها ضمن آن‌که فارسی هست نشان‌دهنده سبک و سیاق خاصی است که الزاماً نمی‌تواند مشابهتی با ادبیات درونی تاریخ‌های محلی ایران داشته باشد. ادبیات درونی تاریخ‌های محلی شبه‌قاره بیشتر بر پایه و مایه تجارب فردی و معمولاً خارج از شیوه نگارشی رجال و خاندان‌های دیوان‌سالار ایرانی قرار گرفته و غنی شده است. هرچند در تاریخ‌های محلی فارسی شبه‌قاره بهره‌مندی از نظم و دقت ادبی دیده می‌شود لیکن در این زمینه به‌اندازه تاریخ‌نگاران محلی ایران پیشرفت نداشته است. البته کاربرد آیات قرآنی، احادیث و روایات نبوی (ص)، حکایت‌ها و گاه اشعار شاعران در تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره نیز به‌مانند ایران دیده

می‌شود. عوامل متعددی را می‌توان بر افول تاریخ‌نگاری فارسی شبه‌قاره از قرن سیزدهم هجری به بعد مؤثر دانست که از جمله مهم‌ترین علل:

۱- نفوذ و حاکمیت و سیطره دولت‌های اروپایی و استعمارگران و نهایتاً تسلط بریتانیا بر این سرزمین، که باعث بسط فرهنگ و زبان متجاوزان گردید. زیرا از اهداف عمده انگلیسی‌ها سلطه فرهنگی در شبه‌قاره بود. ادبیات فارسی با غنائی که از ناحیه فرهنگ و معارف اسلامی کسب نموده بود عامل احساس مسئولیت، هویت ملی بود و به همین جهت عوامل بریتانیا در هند با تمام وجود درصدد محو این پشتوانه بزرگ برآمدند و از هیچ تلاشی در این راستا کوتاهی ننمودند.

۲- ضعف حمایت دولتی: با توجه به حمایت وسیع و فراوان بابریان از زبان و ادب فارسی و اینکه آنان در این مورد از همه دولت‌های قبل از خود به این موضوع بیشتر اهتمام داشته‌اند. لذا ضعف و سرانجام انحطاط آنان به تضعیف زبان فارسی در شبه‌قاره منجر گردید.

۳- توسعه تراحمات مذهبی و فرقه‌ای: که با فتور و ضعف پادشاهان بابر بیشتر شده و وسعت یافت. به‌ویژه اینکه با کاسته شدن اقتدار حاکمان مسلمان و رشد و قوت فرقه‌های هندو و سیک که در بسیاری از مواقع با همراهی و برنامه‌ریزی‌های توطئه‌آمیز استعمارگران همراه بود زبان فارسی که زبان دولت اسلامی و معارف دینی محسوب می‌شد رو به افول گرائید.

۴- جایگزینی زبان اردو و بسط آن: با توجه به فراهم آمدن زمینه‌های لازم در تضعیف و محو زبان فارسی و با توجه به سیاست‌های استعماری، مقدمات انقطاع فراهم و کم‌کم اردو جای فارسی را گرفته و بسیار از آثار و تألیفات در دانش‌های مختلف به‌ویژه تاریخ به زبان اردو نگاشته شد.

منابع

- ۱- احمد، ظهورالدین؛ تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ج ۱، ترجمه شاهد چودری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲- _____؛ تاریخ ادب فارسی در پاکستان (از جهانگیر تا اورنگ زیب)، ج ۲، ترجمه و تحشیه شاهدچودری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۳- _____؛ آغاز فارسی در شبه‌قاره و چگونگی ارتقای آن، نامه پارسی، س ۴، ش ۳، ص ۸۲-۱۲۲، تهران: ۱۳۷۸.

- ۴- احمد، واصف؛ نگاهی گذرا به تاریخ نویسی محلی راجع به کشمیر، فصلنامه قند پارسی، مرکز تحقیقات فارسی، ریزنی جمهوری اسلامی ایران، ش ۴۷ و ۴۸، صص ۴۱۴-۴۲۶، دهلی نو: ۱۳۸۹.
- ۵- اسماعیل پور، مهییز؛ تواریخ کشمیر در دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۱۲-۱۱۵، تهران: ۱۳۸۰.
- ۶- _____؛ تواریخ سند در دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۷۹-۸۱، تهران: ۱۳۸۰.
- ۷- ادراکی بیگلاری، قاسم؛ بیگلارنامه، تصحیح و تعلیق، نبی بخش خان بلوچ، حیدرآباد پاکستان: انجمن ادبی سند، ۱۹۸۰.
- ۸- اذکایی، پرویز؛ مروج اسلام در ایران صغیر (احوال و آثار میرسید علی همدانی)، همدان: دانشگاه بوعلی، ۱۳۷۰.
- ۹- اصغر، آفتاب؛ تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان (تیموریان بزرگ)، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴.
- ۱۰- انوشه، حسن؛ دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه قاره هند، پاکستان و بنگلادش)، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۱۱- _____؛ ادراکی بیگلاری در دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۶۴-۶۶، تهران: ۱۳۸۰.
- ۱۲- برزگر، حسین؛ ترخان نامه در دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۹۷-۹۸، تهران: ۱۳۸۰.
- ۱۳- _____؛ طاهر محمد تتوی در دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۷۶-۱۷۸، تهران: ۱۳۸۰.
- ۱۴- بکری، سید محمد معصوم؛ تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی، تصحیح عمر بن محمد داوود پوته، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۱۵- بیرونی، ابوریحان؛ تحقیق ماللهند، ج ۱، ترجمه منوچهر صدوقی سها، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۱۶- _____؛ آثارالباقیه، ترجمه علی اکبر دانا سرشت، تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲.
- ۱۷- تارا چند؛ تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه علی پیرنیا و غزالدین عثمانی، تهران: پاژنگ، ۱۳۷۴.

- ۱۸- تتوی، سید میرمحمد بن سید جلال؛ ترخان نامه (تاریخ سند در زمان ارغون و ترخان) به اهتمام سید حسام‌الدین راشدی، حیدرآباد سند: انجمن ادبی سند، ۱۹۶۵.
- ۱۹- حسنی دوست، مریم؛ برهان مآثر در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۵۴-۲۵۵، تهران: ۱۳۸۳.
- ۲۰- حیدری کاشمیری؛ بهارستان شاهی، سرینگر: انجمن شرعی شیعیان جامون و کشمیر، ۱۹۸۲.
- ۲۱- حیدرملک؛ تاریخ کشمیر (تاریخ حیدر ملک چادوره)، دهلی‌نو: مرکز میکروفیلم نور، ۱۹۹۹.
- ۲۲- حیدر میرزا دو غلات، میرزا محمد؛ تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳.
- ۲۳- خلیلی جهان تیغ، مریم؛ بازتاب روایت‌های همسان در کتاب راج نگینی و آثار ایرانی و سامی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی (وابسته به انجمن زبان و ادبیات فارسی)، ش ۱۱، صص ۸۱-۹۲، تهران: ۱۳۸۵.
- ۲۴- خیراندیش، عبدالرسول؛ صورت شناسی تاریخ‌های محلی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۴۷ و ۴۸، صص ۳-۳۱، تهران: ۱۳۸۰.
- ۲۵- رازی، امین احمد؛ هفت اقلیم، تصحیح، تعلیقات و حواشی سید محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- ۲۶- رزم‌آرا، مرتضی؛ تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۲۷- روزنتال، فرانتس؛ تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- ۲۸- سجادی، سید صادق و هادی عالم زاده؛ تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- ۲۹- شیمیل، آنه ماری؛ ادبیات اسلامی در هند، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- ۳۰- صافی، قاسم؛ بهار ادب (تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند)، پاکستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ۳۱- صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳ و ۴ و ۵، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۱.
- ۳۲- طالش، شهاب‌الدین بن محمد؛ فتحیه عبریه (عبرتیه)، به اهتمام مهدی خواجه پیری و پرویز نیری، دهلی‌نو: مرکز میکروفیلم نور، ۱۹۹۹.

- ۳۳- طباطبا، سید علی؛ برهان مآثر، دهلی: مطبعه جامعه دهلی، ۱۹۳۶.
- ۳۴- فیضی فیاضی، شیخ ابوالفضل؛ ظفرنامه احمدآباد، به اهتمام مهدی خواجه پیری، دهلی: مرکز میکروفیلم نور، ۱۳۷۶.
- ۳۵- قانع؛ تاریخ مظفرشاهی (فتح ماندوشادیاباد)، به اهتمام محمد عبدالله جغتایی، دهلی: پونا، ۱۹۴۶.
- ۳۶- کوفی، علی بن حامد؛ فتح نامه سند (چچ نامه)، تصحیح داوود پوته، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- ۳۷- مارشال، دارانوسروانجی؛ مغولان در هند (بررسی کتابشناسی دست‌نویس‌ها)، ترجمه حسین برزگر کشتلی، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۳۸- ناجی، محمدرضا؛ چچ نامه در دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۳۹- ناجی، محمدرضا و دیگران؛ تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۲.
- ۴۰- نسیانی تنوی، سید طاهر؛ تاریخ طاهری (تاریخ بلده تهته)، مقدمه، حواشی و فهرس نبی بخش خان بلوچ، حیدرآباد پاکستان: انجمن ادبی سند، ۱۹۶۴.
- ۴۱- نمکین بهکری، یوسف میرک بن ابوالقاسم؛ تاریخ مظهر شاهجهانی (در بیان احوال ولایت سند از بهکرتا تهته)، مقدمه و حواشی سید حسام‌الدین راشدی، کراچی: مرکز ادبی سند، ۱۹۶۲.
- ۴۲- نهرو، جواهر لعل؛ کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۴۳- نوشاهی، سید عارف؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی (موزه ملی پاکستان)، کراچی: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۲.
- ۴۴- _____؛ کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۱.